

بررسی موانع تحقق عدالت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی

و راهکارهای رفع آن‌ها از دیدگاه مقام معظم رهبری

ناصر فروهی^۱، رحمان صولتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲

چکیده: انقلاب اسلامی نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود که مفاهیم تازه‌ای را به حوزه‌ی گفتمان سیاسی و اجتماعی ایران وارد کرد. این انقلاب بر پایه اندیشه‌های فقهی - سیاسی مکتب تشیع شکل گرفته که یکی از اصلی‌ترین آموزه‌های آن، عدالت و تحقق عدالت اجتماعی در جامعه می‌باشد. معمارکبیر انقلاب اسلامی با آرمان عدالتخواهانه، مردم را به مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی فراخواند. اکنون که سال‌ها از آن فریادهای عدالتخواهانه می‌گذرد، دغدغه‌ی عدالت، آزمون دشواری را فراروی کارگزاران نظام نهاده تا کارآمدی خود را در آیینی عدالت بنگرند. رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره اجرای عدالت بخصوص عدالت اجتماعی را در جامعه به مسئولان و کارگزاران توصیه می‌کردند و بر لزوم تحقق آن تأکید دارند. باید اذعان کرد که علی‌رغم تلاش کارگزاران در طول ۴۲ سال گذشته، آنچنان که شایسته نظام اسلامی می‌باشد عدالت اجتماعی به معنای واقعی کلمه در جامعه تحقق نیافته است. سؤال اصلی پژوهش، این است که چه موانعی در راه تحقق عدالت اجتماعی وجود دارد و چه موضوعی از جانب مقام معظم رهبری در راستای رفع این موانع ارائه شده است؟ روش پژوهش در مقاله‌ی حاضر، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و بر مبنای این اطلاعات و داده‌ها، موضوع فوق مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای اجرای هر چه بهتر عدالت اجتماعی در جامعه باید نظریه‌ای ناب و اصیل در خصوص عدالت اجتماعی، از دیدگاه مقام معظم رهبری که منطبق بر متون دینی است، استخراج گردد و به صورت قانونی، توسط کارگزاران نظام در جامعه به اجرا درآید.

واژگان اصلی: جمهوری اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت اجتماعی، موانع و راهکارها.

مقدمه

جمهوری اسلامی که با هدف تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف و آرمان‌های اصلی انقلاب، به منصفه ظهور رسید در راستای دستیابی به این هدف مهم، با موانع و مشکلات مواجه شد. البته در این خصوص تلاش‌های قابل توجهی صورت گرفته اما آن‌طور که شایسته حکومت اسلامی است، آن هدف مهم در جامعه تحقق نیافته است. با این همه، مقام معظم رهبری نگاه و دیدگاه ویژه‌ای نسبت به این موضوع و موانع پیش روی آن داشته و در بسیاری از سخنان خود، مسئولین را به اجرای عدالت اجتماعی توصیه کرده‌اند. ایشان در بحث خود در خصوص عدالت، یک نگاه کلی و فلسفی به این موضوع داشته و یک نگاه اجتماعی؛ در یک چشم‌انداز کلی، عدل از نظر ایشان به معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی، و جسم و جان و سنگ و چوب و همی حوادث دنیا وجود دارد، یعنی یک موازنه‌ی صحیح. عدل این است. به عبارت دیگر، رفتار صحیح، موازنه‌ی صحیح و معتدل بودن که در تمام پدیده‌های هستی وجود دارد. در یک چشم‌انداز اجتماعی عدالت از نظر ایشان، با همان مفهوم قرآنی قسط یکسان بوده که یکی از اهداف مهم بعثت انبیاء، تحقق آن در جامعه بوده است. علی(ع) که مظهر عدالت و شهید راه عدالت محسوب می‌شود، انعطاف‌پذیری و تعصب خاصی نسبت به عدالت روا می‌داشت و فلسفه‌ی پذیرفتن خلافت را بعد از عثمان، بر هم خوردن عدالت اجتماعی و منقسم شدن مردم به دو طبقه‌ی سیر و گرسنه ذکر می‌کند و می‌فرماید:

«گروهی آنقدر اموال و و ثروت‌ها و موهبت‌های الهی را به خودشان اختصاص بدهند و آنقدر بخورند که از پرخوری بیمار شوند و عده‌ای آن قدر حقوقشان پایمال شود که مایه سد جوعی هم نداشته باشند، در چنین اوضاع و احوالی، این دانایان و روشن ضمیران نمی‌توانند بنشینند و تماشاچی و حداکثر متاسف باشند. اگر چنین وظیفه‌ای را در حال حاضر احساس نمی‌کردم، کنار می‌رفتم و افسار خلافت را در دست نمی‌گرفتم و مانند روز اول پهلو تهی می‌کردم» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۳۰۰).

با توجه به اهمیت این موضوع از دیدگاه رهبری، یکسری موانع کلی و بسیار مهم در راستای تحقق عدالت اجتماعی وجود دارد که از جمله این موانع، می‌بایست به دنیاگرایی، مصرف‌گرایی و اسراف، فساد و جذب افراد نالایق در پیکره‌ی حکومت اشاره نمود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای اجرای هر چه بهتر عدالت اجتماعی در جامعه باید نظریه‌ای ناب و اصیل در خصوص عدالت اجتماعی، از دیدگاه مقام معظم رهبری که منطبق بر متون دینی است، استخراج

گردد و به صورت قانونی، توسط کارگزاران نظام در جامعه به اجرا درآید.

در این موضوع که جمهوری اسلامی از ابتدا به دنبال تحقق عدالت اجتماعی بوده و این هدف را همواره پیگیری نموده، جای هیچ شک و شبهه‌ای نبوده و نیست. رهبری نظام و مسئولان طراز اول کشور و عموم ملت هیچ‌گاه از برقراری عدالت اجتماعی غافل نبوده‌اند. مقایسه‌ای مختصر با وضعیت حاکم بر رژیم گذشته، این واقعیت را نشان می‌دهد که جامعه در راه رسیدن به آرمان عدالت به موفقیت‌های چشمگیری نائل شده است. اما علیرغم تلاش‌های صورت گرفته، هنوز جمهوری اسلامی تا تحقق کامل عدالت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قضایی به معنای واقعی عدالت فاصله زیادی دارد. به واقع، جامعه ما از تبعیض و بی‌عدالتی رنج می‌برد. جمهوری اسلامی به رغم تمایل شدیدش به برقراری عدالت با موانع و دشواری‌های فراوانی مواجه است. در ادامه به موانعی که در راه برقراری عدالت در جامعه وجود دارد از منظر مقام معظم رهبری و راهکارهایی که ایشان برای حل این موانع پیشنهاد داده‌اند، پرداخته می‌شود.

۱- موانع برقراری عدالت اجتماعی در جامعه:

رهبر گرانقدر ما در رابطه با برقراری عدالت به دو نوع از موانع از جمله موانع درونی و بیرونی برقراری عدالت اشاره کرده و در تعریف موانع درونی به ضعف‌های فکری و عقلانی همچون دنیاگرایی، اشرافی‌گری، مصرف‌گرایی و اسراف، عدم ایمان به مبدا و معاد و... اشاره می‌کنند که در ادامه به صورت مختصر تعاریفی از آنها ارائه می‌شود.

۱-۱ دنیاگرایی: دنیاگرایی یک نوع بیماری اخلاقی است که آیات و روایات زیادی در مزمت این رذیله‌ی شوم در آموزه‌های دینی ما وارد شده است، چرا که گروهی هستند که زندگی آخرت را فروخته و دنیایی پست و بی‌ارزش را اختیاری کنند. قطعاً دنیاگرایی در تقابل با حق قرار دارد و کسی که دچار این عارضه خطرناک شود مانع برقراری فضیلت‌ها و از جمله عدالت خواهد شد. آیات و روایات فراوانی در توصیف دنیاگرایی آمده است، البته دنیاگرایی که باطن فرد و ذهن و فکر وی را به خود مشغول داشته و مانع فرمانبرداری از اوامر الهی شود و اجرای حق و عدالت را در ضمیر فرد از بین ببرد مورد مذمت قرار گرفته است و بر این اساس دنیاگریزی نیز در آموزه‌های دینی ما از جمله مواردی است که نفی شده است. خداوند در قرآن کریم اولین عاملی را که باعث انحراف از عدالت می‌شوند اینگونه بیان می‌کند:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنَّ

يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَمَّا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت می‌دهید) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به رعایت حقوق) آنها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبادا عدالت نگاه ندارید. و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است (سوره نسا، آیه ۱۳۵)

این آیه به علایق خطرناک و وابستگی های دنیایی اشاره می کند که مبادا آن وابستگی ها و علایق شما را از مرز عدالت دور کند.

پیامبر گرامی اسلام در مورد دنیادوستی فرمودند:

« حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ سَبَبُ إِحْبَابِ كُلِّ حَسَنَةٍ؛ دوستی دنیا منشأ هر اشتباه و کلید هر گناه و سبب نابودی هر نیکویی است. » (دیلمی ۱۴۱۲: ۲۱). یعنی آنکه به سبب دوستی دنیا هر اشتباهی را مرتکب می شود تا به آنچه میل اوست برسد و در نتیجه اشتباهات زیاد، مرتکب گناهان زیاد می شود. و برخی از گناهان سبب نابودی بعضی از خیرات می شود لذا دوستی دنیا هم علت اشتباه و هم منشأ گناهان و هم سبب حبط خیرات است.

ابن عباس می گوید در منزل «ذی قار» خدمت حضرت امیر علیه السلام رسیدم و ایشان مشغول وصله زدن کفش خود بود، به من فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم بهایی ندارد، فرمود:

« به خدا سوگند همین کفش، از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر اینکه حقی را به پا

دارم و مانع باطلی شوم» (نهج البلاغه؛ خطبه ۳۳).

رهبر معظم انقلاب نیز از جمله ی مواردی که مانع اجرای عدالت اجتماعی در جامعه می شود دنیا گرایی دانسته و می فرماید: « مسأله‌ی دنیاطلبی که من این همه رویش تأکید میکنم - متأسفانه هر وقت انسان راجع به آن حرف میزند، بعضیها را میگذرد و ناراحت میشوند - به خاطر همین است. دنیاطلبی یک لغزشگاه است که هیچ مرزی هم نمیشناسد الا تقوا، یا یک نظارت قرص و محکم که کسانی ناچار باشند چیزهایی را رعایت کنند. تازه آنها هم ممکن است از طرق غیرقانونی و قاچاق، کارهای خلاف بکنند. من در پنج، شش سال قبل از این، برای یک مجموعه‌ی دانشجویی پیام دادم؛ چون آنها دانشجویانی بودند که یواش یواش وارد تشکیلات دولتی میشدند. من به آنها گفتم مواظب

باشید چرب و شیرین دنیا، شما را به خودش متوجه نکند. یعنی یک جوان دانشجو میتواند در معرض چنین لغزشی قرار گیرد؛ کمالین که یک مسئول هم میتواند در معرض لغزش قرار گیرد. این مسأله‌ی ثروتهای بادآورده که ما مطرح کردیم و دستگاه قضایی حرکتی را نسبتاً در اول کار شروع کرد و بعد همین مطبوعاتی که ملاحظه میکنید، سعی کردند فضا را غبارآلود کنند و نگذارند به جایی برسند، ناظر به همین قضیه است» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴)

اشرافی گری نمود دیگری از دنیا طلبی و دنیاگرایی می باشد که وجود آن بخصوص در میان مسئولان تبعات خطرناک فراوانی دارد که انحراف از عدالت از مهمترین آنان به شمار می رود. رهبر گرانقدر ما به اشاره به رذیلت اخلاقی خطاب به مسئولان می فرماید:

« تجمل گرایی و گرایش به اشرافی گری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همه کشورها و همه جوامع، بخصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد. این همان تأثیر حرف و اقدام و عملکرد من و شما در روحیه مردم است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۰۴).

همچنین می فرماید: «از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند میکند، نمود اشرافی گری در مسئولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید. اشرافی گری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب اولش بزرگتر است. عیب اول اشرافی گری، اسراف است - اشرافیگری حلال را میگوییم؛ یعنی آن چیزی که پولش از راه حلال و بحق به دست آمده - اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ سازی میکند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست میکند. البته در این زمینه مسئولان درجه یک بسیار نقش دارند؛ تلویزیون بسیار نقش دارد؛ منش من و شما هم بسیار نقش دارد.» (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

۱-۲ مصرف گرایی و اسراف: مصرف گرایی که امروزه یکی از معضلات واقعی در تمام جهان و در کشور ما نیز تا حدودی محسوب می شود یک باور غلط است که فرهنگ سازی شده است و بعنوان یک نوع سبک زندگی در حال شیوع می باشد، اما در آموزه های دینی ما مصرف گرایی و اسراف به شدت نهی شده است خداوند در آیات بسیاری صریحاً در این مورد می فرماید:

« كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ شما هم از آن

میوه‌ها هرگاه برسد تناول کنید و حق آن را (زکات فقیران را) در روز درو و جمع‌آوری آن بدهید و اسراف نکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد» (سوره انعام آیه ۱۴۱).

«كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (سوره اعراف آیه ۳۱).

«كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ؛ بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده ایم، و در آن طغیان نکنید» (سوره طه آیه ۸۱).

آیات و روایات فراوانی در نکوهش اسراف و مصرف‌گرایی آمده است، حضرت علی (ع) که بسیار در اجرای عدالت با دقت و موشکافانه عمل می‌کردند در بخشنامه‌ای به به نمایندگان خود چنین می‌نویسد: "ادقوا اقلامکم" نوک قلم خود را تیز کنید "و قار بوايين سطورکم" در نوشتن میان سطرها فاصله زیاد نگذارید "واحدفوا من فضولکم" حرف‌های اضافه را حذف کنید "و قصدوا قصدالمعانی" به جای عبارت پردازی به بیان مطلب اکتفا کنید "و اياکم و الاكثر" از پرنویسی و مصرف اضافی کاغذ خودداری کنید "فان اموال المسلمین لا تحتل الاضرار" چون این کاغذها از بیت المال است و بیت المال تحمل ضرر ندارد (مجلسی ۱۳۹۶: ۱۰۵).

رهبر معظم انقلاب نیز در این رابطه می‌فرماید:

« مصرف‌گرایی برای جامعه‌بلای بزرگی است. اسراف، روزبه‌روز شکاف‌های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یک اقدام اساسی در زمینه عدالت، مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح‌الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجیها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است.

صرفه‌جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جوئی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارائی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد» (بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸.۰۱.۰۱).

۳-۱ شیوع فساد: یکی از عوامل انحراف از عدالت شیوع فساد و رشوه در جامعه می‌باشد که به گسترش فقر نیز می‌انجامد. فساد از موانع بیرونی برقراری عدالت محسوب می‌شود و یک امر

سیاسی است که باید توسط حکومت‌ها کنترل و با آن مبارزه شود. خداوند نیز در قرآن کریم با معرفی رشوه بعنوان یکی از مهمترین عوامل انحراف از عدالت چنین می‌فرماید:

« لا تكلوا اموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون؛ و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر نمائید با اینکه می‌دانید که این عمل حرام است» (آیه ۱۸۸ سوره بقره).
در حدیث معروفی که از رسول خدا(ص) نقل شده می‌خوانیم: « لعن الله الراشی و المرتشی و الساعی بینهما؛ خداوند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و آن کسی که واسطه میان آن دو نفر است از رحمت خود دور می‌کند» (مجلسی، ۱۳۹۶: ۹). همچنین امام صادق (ع) در این مورد می‌فرماید: رشوه در قضاوت کفر به خداوند است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۶۲).

در روایتی می‌خوانیم به پیامبر اسلام خبر دادند که یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته است، حضرت برآشفته و به او فرمود: چرا آنچه حق تو نیست می‌گیری؟ گفت آنچه من گرفته‌ام تنها هدیه است نه رشوه! پیامبر فرمود: «ارایت لو قعد احدکم فی داره و لم نوله عملا اکان الناس یهدونه شیئا؟! اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید آیا مردم به شما هدیه می‌دهند؟ اسلام سفارش کرده که قاضی شخصا به بازار نرود که مبادا تخفیف قیمت‌ها به طور ناخداگاه روی قاضی اثر بگذارد و در قضاوت جانبداری از تخفیف دهنده را کند» (قرائتی، ۱۳۶۲: ۱۶۷). رهبر معظم انقلاب نیز مبارزه با فساد را از عوامل موثر در برقراری عدالت معرفی کرده و می‌فرماید:

« اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پُر کردن فاصله طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است. مبارزه با فساد اداری و فساد اقتصادی و سوءاستفاده از امکاناتی که قدرت در اختیار افراد میگذارد - چه سوءاستفاده مالی و چه سوءاستفاده سیاسی - از اصول انقلاب است و باید رعایت شود» (بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۸۱/۰۱/۱۴).

باز می‌فرماید: «اساس اصلاحات این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم. هر اصلاحاتی - اگر واقعاً اصلاحات باشد - بر محور این می‌چرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المال مردم برای منافع شخصی و پُر کردن جیب خود تغذیه کنند.

بزرگترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگیها و صلاحیتهای و قابلیت‌های افراد توجه نشود. همان فقر و فساد و تبعیضی که بارها عرض کرده‌ایم، مردم تأیید کردند که مبارزه با اینها، همان اصلاحات واقعی است.» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۴/۰۵/۲۶).

۴-۱ جذب افراد نالایق در پیکره حکومت: بدون تردید، ایجاد اصلاحات در جامعه و برپا داشتن عدالت و تحقق حکومت دینی مبتنی بر سیره و سنت نبوی و علوی، نیازمند وجود یاران و کارگزاران مخلص، زیرک، کاردان، شجاع و فداکار است که با بینش درست نسبت به تعالیم اسلام و شناخت نسبت به امام خود، مطیع فرمان‌های او بوده، به دستوراتش عمل کنند، و در امور مردم صادقانه کوشش نمایند. در حالی که مسئولان نادان، عافیت‌جو و دنیاطلب، کج‌فهم و سهل‌انگار که نه شجاعت اجرای عدالت و نه اعتقاد و شناخت معانی دینی را دارند، از مشکلات مهم در راه اجرای عدالت و اصلاح امور کشوری می‌باشند.

یکی از فرمانداران اموالی از بیت المال را نزد خود گرفته بود، خبر که به امام رسید، حضرت فوراً نامه‌ای تهدید آمیز به وی نوشتند: «از خدا بترس، و اموال این مردم را به سویشان بازگردان، که اگر چنین نکنی و خداوند مرا بر تو چیره سازد، با تو کاری خواهم کرد که نزد خداوند عذر خواهم داشت، و با شمشیرم که هر کس را با آن زدم در آتش شد، گردنت را بزنم. به خدا سوگند، اگر کاری را که تو کردی حسن و حسین کرده بودند، از من نرمشی نمی‌دیدند، و به مرادی نمی‌رسیدند، تا آن که حق را از آنان بازگیرم، و باطلی را که از ستم آن دو پدید آمده نابود سازم» (نهج البلاغه؛ نامه ۴۱).

افراد سرشناس متخلفی هم بودند که آوازه نامشان باعث نمی‌شد علی علیه السلام آنان را مصون از تعقیب بدانند. به عنوان مثال نجاشی شاعر، که دارای موقعیت اجتماعی و فرهنگی رفیعی بود و اشعار و قصایدش در تقویت روحیه سپاه امیر مؤمنان (ع) در نبرد صفین بسیار موثر بود. او در ماه مبارک رمضان مرتکب شرب خمر شده بود و حضرت بر او اجرای حکم کرد و از سرزنش دیگران باکی نداشت (مجلسی، ۱۳۹۶: ۲۵۰).

همه این‌ها نشان می‌دهد که حضرت علی (ع) معتقد بودند ناهنجاریهای برخی از کارگزاران سبب می‌شود مردم نسبت به دولتمردان و حاکمان بدبین شده، و اعتمادشان را به آنان از دست بدهند و مسلم است که بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولتمردان عنصر تهدیدکننده حکومت به شمار می‌آید. رهبر عزیز ما حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در اختیار گرفتن قدرت توسط صالحین را لازمه

استقرار عدالت در جامعه معرفی کرده و همه کسانی را که نانشان در بیعدالتی است را دشمنان عدالت معرفی کرده می فرمایند:

« تکیه‌ی بر عدالت، اساسی‌ترین و محوریت‌ترین اصل یک حرکت الهی است؛ ادامه‌ی کار همه‌ی انبیا و مصلحان بزرگ تاریخ است. البته عدالت دشمنانی دارد. همه‌ی کسانی که نانشان در بیعدالتی است، با عدالت دشمن‌اند. همه‌ی کسانی که با قلدری و زورگویی - چه در صحنه‌ی ملی، چه در صحنه‌ی بین‌المللی - تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. عدالت، شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست.

بعضی می‌خواهند با عنوان تندروی، عدالت را متهم و محکوم کنند. عدالت، تندروی نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است. در یک کشور کسان زیادی پیدا می‌شوند که اگر دستگاه مسؤول قانونی به مدد آنها نشتابد، در امواج درگیریهای گوناگون لگدمال می‌شوند. وظیفه‌ی دولت عدالتمدار، توجه ویژه به قشر محرومین است. عدالت را نباید تندروی و مخالفت با شیوه‌های علمی دانست. با استفاده از همه‌ی شیوه‌های عالمانه و با تدبیر میتوان عدالت را در جامعه مستقر کرد.» (سخنرانی به مناسبت تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۸۴/۰۵/۱۲).

همچنین می فرماید: « استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه‌ی بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی‌شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آن که توانستند طرفداران خود را گرد آورند و تجهیز کنند، آن‌گاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت، با زبان قدرت حرف می‌زدند. شما ببینید در همین آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که راجع به قسط صحبت می‌کند و می‌گوید خدای متعال همه‌ی پیغمبران را فرستاد، «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ برای این که قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله می‌فرماید: «و انزلنا الحديد فيه بأس شدید و منافع للناس»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر این که با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضه و مبارزه می‌کنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم می‌خواند، به گوش دشمنان هم می‌رسانید؛ اما به این

اکتفا نمی‌کرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده‌طلبان و متجاوزان به حقوق انسان‌ها باید خود را به قدرت مجهز کنند.» (بیانات در درس گفتار قرآن کریم، روز بیست و هفتم ۱۳۹۱/۰۵/۲۶).

تا اینجا به موانع برقراری عدالت در جامعه پرداختیم، در ادامه به راهکارهایی که به اجرای بهتر عدالت در جامعه کمک می‌کنند خواهیم پرداخت و آیات و روایاتی را که در این مورد وجود دارند بررسی خواهیم کرد و در نهایت نظرات رهبری را در این رابطه عنوان خواهیم کرد.

۲- راهکارهای رفع موانع برای اجرای عدالت اجتماعی:

۲-۱ در اختیار گرفتن قدرت توسط صالحین؛ لازمه استقرار عدالت: اولین اصل در برقراری

عدالت اجتماعی در جامعه بر عهده گرفتن قدرت در جامعه توسط افراد صالح و شایسته می‌باشد. نیازمند بودن جامعه به حفظ و اجرای عدالت و رعایت حقوق افراد، زمینه لازمی برای برپایی و تشکیل حکومت اسلامی است. به همین جهت عقلا به ضرورت برپایی حکومت در جوامع انسانی حکم کرده‌اند. جامعه اسلامی، از جهت نیاز به اداره کشور و وجود حکومت، با جوامع دیگر فرقی نداشته و برای تنظیم روابط خود، احتیاج به احکام اجتماعی دارد تا هم امنیت ایجاد شود و هم حقوق افراد رعایت و عدالت گسترش یابد پس جامعه اسلامی در نیامندی به حکومت، مثل جوامع دیگر است. خداوند در قرآن به آیات فراوانی در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای عدالت و اجرای احکام اسلامی سفارش نموده است:

« إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا؛ ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمائی!» (آیه ۱۰۵: سوره نسا).

این آیه داوری و حکومت بین مردم در امور اختلافی دینی و اجتماعی را غایت و هدف انزال کتاب قرار داده است و اختلافات و منازعاتی که بدون حاکم عادل و حکومت حل نخواهد شد را بیان می‌کند.

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ؛

آیا به کسانی که بهره‌ای اندک از کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی که به سوی کتاب خدا خوانده می‌شوند تا در میان آنان [درباره احکام الهی و نبوت پیامبر اسلام] داوری

کنند؟ سپس گروهی از آنان در حالی که اعراض کننده [از حق و حقیقت] اند، روی می گردانند» (آیه ۲۳:سوره آل عمران).

در این آیه نیز دعوت به حکم الهی شده است در حالی که آنان روی گردانند. اما اجرای احکام و اهداف قرآن جز با تشکیل حکومت میسر نمی باشد.

فضل بن شاذان از حضرت رضاع) نقل می کند که آن حضرت در بیان علت و جوب اطاعت اولی الامر اموری را ذکر فرموده ... از جمله اینکه: «وَمِنْهَا أَنَا لَا نَجِدُ فَرْقَهُ مِنَ الْفَرْقِ وَلَا مَلَكَهُ مِنَ الْمَلِكِ بَقُوا وَعَاشُوا أَلَا بِقِيمٍ وَرَبِّسُ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا فَلَمْ يَجْزُ فِي حُكْمِهِ الْحَكِيمِ أَنْ يَتَرَكَ الْخَلْقَ لِمَا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَأَبَدُ لَهُمْ مِنْهُ وَلَا قَوَامَ لَهُمْ أَلَا بِهِ فَيَقَاتِلُونَ بِهِ عَدُوَّهُمْ وَيَقْسِمُونَ بِهِ فَيَهُمُّمْ وَيَقِيمُونَ بِهِ جَمْعَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ وَيَمْنَعُ ظَالِمَهُمْ مَظْلُومَهُمْ؛ از جمله آن علت ها این است که ما هیچ یک از فرقه ها و ملت ها را نمی بینیم که جز به وجود یک سرپرست و یک رئیس به حیات خود ادامه داده و باقی مانده است، زیرا برای امر دین و دنیا ناگزیر باید چنین شخصی باشد، بنابراین از حکمت خداوند حکیم به دور است که مخلوقات خود را بی سرپرست بگذارد با اینکه می داند وجود چنین شخصی برای آنها ضروری است و بدون آن زندگی شان تباه می شود؛ زیرا تحت رهبری او با دشمنان شان می جنگند و درآمد ملی و عمومی شان را عادلانه تقسیم می کنند و به وسیله او نماز جمعه و جماعت بر پا می دارند و دست ستمگران را از حريم حقوق مظلومین کوتاه می کنند» (صدوق، ۱۳۸۳:۲۳۲).

حکومت غیر متدینان ممکن است دوام بیاورد، اما حکومت ستمگر دوام نخواهد آورد. قیام به قسط و اقامه عدل، از اهداف بنیادین بعثت انبیا است و تشکیل حکومت و ایجاد امنیت پلی است برای رسیدن به این هدف. قرآن می فرماید: «خداوند فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبان آن بازگردانید و در هنگام داوری، عادلانه حکم صادر نمایید» و نیز می فرماید: «ما پیامبران خود را همراه با نشانه های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان " معیار سنجش حق و باطل " نازل کردیم تا مردم به قسط و عدل قیام کنند.

رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای نیز استقرار عدالت را منوط به در دست داشتن قدرت توسط افراد صالح و عدالت طلب معرفی کرده و می فرماید:

«استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه بخش های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالح و عدالت طلب، قدرت را در

دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی‌شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آن که توانستند طرفداران خود را گرد آورند و تجهیز کنند، آن‌گاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت، با زبان قدرت حرف می‌زدند.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

خدای متعال همه پیغمبران را فرستاد، «لیقوم الناس بالقسط»؛ برای این که قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله می‌فرماید: «و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر این که با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح است، با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضه و مبارزه می‌کنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم می‌خواند، به گوش دشمنان هم می‌رسانید؛ اما به این اکتفا نمی‌کرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده‌طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهز کنند. لذا شما می‌بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهز به قدرت یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام حرکت اسلام را جدی گرفتند و علاقه‌مندان و طرفداران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدس و قتال قدم می‌گذاشتند: «و کأین من نبی قاتل معه ربیون کثیر» (آل عمران: آیه ۱۴۶).

۲-۲ اعتقاد به مبدا و معاد: اعتقاد به مبدا و معاد و ایمان به خدا داشتن از نشانه‌های بارز افراد در برقراری عدالت می باشد. خداوند در سوره نسا در آیه ۶۳ می فرماید:

«الم ترالی الذین یزعمون أنهم ءامنوا بما أنزل الیک و ما أنزل من قبلك یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد أمروا ان ینکفروا به؛ آیا ننگری به حال آنان که به گمان (و دعوی) خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده‌اند، چگونه باز می‌خواهند داوری به طاغوت برند در صورتی که مأمورند که به طاغوت کافر شوند؟! و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند گمراهی دور (از هر سعادت).»

این آیه شامل حال کسی است که در نزاع‌ها به مراجع ذی صلاح مراجعه نکند و درگیری‌های خود را به دادگاه‌های طاغوتی ارجاع دهد و توقع عدالت و قضاوت از ستمگران داشته باشد لازم است در ایمان خود تجدیدنظر کند (قرآنی: ۱۳۶۲: ۱۶۱) این آیه انتظار حکم عادلانه از افراد بی ایمان

داشتن را نفی کرده و کسانی را هم که به این افراد مراجعه می کنند را مسلمان نما معرفی می کند. عقیل برادر حضرت علی(ع) با اطفال رنگ پریده و گرسنه خدمت برادرش امیرالمومنین(ع) رسید و تقاضای سهم بیشتری از بیت المال کرد، ولی امام با قاطعیت جواب منفی داد. و برای آنکه فلسفه جواب منفی خود را به برادر بفهماند آهن گداخته ای را به بدن عقیل نزدیک کرد و فرمود: همانگونه که تو از نزدیک شدن به این آهن گداخته می ترسی من هم از عذاب قیامت و روز قیامت بیمناکم(نهج البلاغه:خطبه ۲۴۴)

رهبر عزیز ما نیز اعتقاد به مبدا و معاد و حسابرسی روز معاد را از جمله عواملی می داند که موجب رفتار عادلانه می شود ایشان در این مورد می فرمایند: «اعتقاد به مبدا و معاد در نظام جهان بینی توحیدی، بر ماهیت موضوع عدالت، تاثیر غیرقابل انکاری دارد. این موضوع منجر به آن می شود که عدالت به عنوان مطالبه و خواست همگانی از سوی آحاد جامعه انسانی طرح شود تا زمینه تحقق کامل آن فراهم شود، چرا که دارای پشتوانه اعتقادی است.

در ضمن تجویزهای عدالت در جامعه باید متناسب با سطح ایمان و اعتقاد مردم به مبدا و معاد باشد؛ یعنی بدون وجود یک سطح اخلاقی و اعتقادی، امکان اجرای عدالت وجود ندارد»(بیانات در نشست با موضوع عدالت ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

۲-۳ عقلانیت و معنویت دو رکن اساسی تحقق عدالت: برای اجرای صحیح عدالت در

جامعه به کارگیری عقلانیت و معنویت در کنار هم از ضروریات مهم می باشد. در واقع وجود این دو کنار هم باید به طور مستمر باشد و اکتفا کردن فقط به یکی از این دو مورد تحقق عدالت را با مشکل مواجه خواهد کرد. حضرت آیت الله خامنه ای نیز با تاکید بر این موضوع می فرمایند:

« اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار میشود؛ خیال میکند چیزهایی عدالت است، در حالیکه نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است. عقلانیت و محاسبه که میگوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه کاری، عقل گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه کاری

فرق دارد. محافظه کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمیتابد و از تحول و دگرگونی میترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی میشود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بوده‌اگر بخواهید عدالت را بدرستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه‌ی عقلانی و به‌کار گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف، تا بفهمید چه چیزی میتواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادادی میدانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

بنابراین عقلانیت و محاسبه‌گری مفاهیمی است که در اجرای عدالت باید توأمان در کنار یکدیگر باشند و عدالتی که به دنبالش هستیم با محاسبه‌ی عقلانی نیز تایید گردد. علاوه بر عقلانیت شرط لازم دیگر معنویت است که آیت الله خامنه‌ای اینگونه آن را شرح می‌دهند:

«اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم - یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد - این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود. ما میگفتیم عدالت و آزادی؛ اما آزادی اصلاً جزو شعارهای آنها نبود. در همه‌ی کشورهای کمونیستی در آن‌جا به شکلی از اشکال - انقلاب یا کودتا - تحقق پیدا کرده بود.» عدالت «محور شعارهای آنها بود؛ اما واقعیت زندگی آنها مطلقاً نشان‌دهنده‌ی عدالت نبود؛ درست ضد عدالت بود. عده‌یی به اسم کارگر سر کار آمدند، که همان طبقه‌ی اشرافی رژیم‌های طاغوتی بودند و هیچ تفاوتی با آنها نداشتند. زندگی سران کشورهای مارکسیستی این‌طور بوده عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت میتوانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بُعدی است. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسانها ندارد؛ «من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم». آدم معنوییی که با ظلم میسازد، با طاغوت میسازد، با نظام ظالمانه و سلطه میسازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمیتوانیم بفهمیم. بنابراین معنویت و عدالت در هم تنیده است» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

۲-۴ انتخاب دولت عدالت محور: این راهکار که مستقیماً به انتخاب افراد بستگی دارد به این موضوع اشاره می‌کند که مردم در انتخاب هایشان باید عدالت مدار بودن دولتی را که انتخاب می

کنند مدنظر داشته باشند، در واقع این مهم تحقق پیدا نمی کند مگر اینکه مردم به این حد از بلوغ فکری رسیده باشند و نیاز به اجرای عدالت را در جامعه واقعا احساس کنند. با نگاهی در تاریخ می بینیم که مردم واقعا از بیعدالتی های که در جامعه اتفاق می افتاد به ستوه آمده و خواستار حکومت عدالت مدار علی(ع) شدند. و امام(ع) به این مطلب اشاره می کنند که اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود را دو عامل اصلی پذیرفتن حکومت معرفی کرده و می فرماید:

«لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بوجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كَظْمِهِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَكَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا وَكَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عُنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ؛ اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهاش می ساختم، و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

از این خطبه مشخص می شود که مردم وظیفه دارند در انتخاب آقادر با دقت و توجه عمل کنند تا دچار یک دولت و حکومت ظالم نشوند و از طرف دیگر خداوند از افراد آگاه و دانا و توانا در امر حکومت نیز می خواهد این وظیفه را به عهده بگیرند تا حکومت به دست افراد نالایق و ناعادل نیفتد. رهبر معظم انقلاب نیز درباره وظیفه مردم نسبت به پیگیری و اجرای عدالت در جامعه می فرماید:

« من اعتقادم این است که باید مردم نسبت به مسأله‌ی عدالت اجتماعی و خواست عدالت اجتماعی، مجدانه و منطقی، با مسؤولان نشان صحبت کنند و از دولت‌ها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند. باید آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی میدهد، موظف و مسؤول کنند و از او مطالبه نمایند. باید توجه داشته باشند آن کسی که عدالت اجتماعی را در درجه‌ی پنجم قرار میدهد و عناوین دیگری را به جای عدالت اجتماعی میگذارد، او بیشترین نیاز یک جامعه را نادیده میگیرد و از نظر دور میکند» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴).

عدالت اجتماعی اسلام، فقط در هنگامی قابل ارائه و عرضه کردن است که یک حکومت اسلامی بر پا شود. عدل اسلام در هنگامی است که حکومت اسلامی و نظام اسلامی در کشوری وجود داشته باشد؛ و الا عدالت اسلامی چگونه قابل اجراست؟

«در قطعاتی از تاریخ که حاکمیت اسلام، حاکمیت حقیقی بوده است - مثل دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام، یا بعضی از دوران دیگر صدر اسلام - همان مقدار از عدالت اسلامی که باقی مانده، دلها را به خود جذب کرده است. شما ببینید چند نفر از نویسندگان و دانشمندان غیرمسلمان، درباره امیرالمؤمنین علیه‌السلام کتاب نوشته‌اند و راجع به عدالت آن حضرت سخن گفته‌اند؛ به انگیزه عدالت، علی علیه‌السلام را شناخته‌اند و به او دل باخته‌اند. عدالت، این‌گونه است. اگر جامعه‌ای که براساس اسلام به وجود می‌آید، در میان خود، عدالت اجتماعی و عدالت حقوقی و عدالت قضایی و عدالت اجرایی داشته باشد، عدالت به معنای مطلق کلمه در میان مردم اجرا شود و تقسیم صحیح ثروت باشد، خود این عدالت در این جامعه، عاملی برای جذب دل‌های ملتها و مردم در همه جای دنیا به اسلام است. چرا؟ چون انسانها از بیعدالتی رنج می‌برند» (بیانات در دیدار مجاورین و زائرین حرم امام رضا ۱۳۷۶/۰۱/۰۱).

در انتهای مطالب و برای نتیجه‌گیری پیشنهاداتی برای اجرای هر چه بهتر عدالت اجتماعی در جامعه آورده می‌شود که از پیشنهادات و سخنان آیت الله خامنه‌ای اتخاذ شده است. آزادی، دموکراسی و عدالت شعارهای زیبایی هستند که همه‌ی دولت‌ها ادعای آن را دارند، اما در واقع اجرای آن مشروط به ریشه داشتن این شعارها از یک منبع اصیل و الهی می‌باشد و فقدان این ریشه باعث عدم اجرای موفقیت‌آمیز این شعارها در بیشتر کشورها و دولت‌های مدعی می‌باشد. در همین راستا حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید:

۴-۲ نظریه ناب عدالت باید از متون دینی استخراج شود و هر گونه مونتاژ و التقاط در این مورد بسیار آسیب‌زا است. رهبر انقلاب می‌فرماید: «هدف ما رسیدن به نظریه اسلامی ناب و خالص در باب عدالت است که برای دستیابی به این هدف بسیار مهم، باید با نگاه متجددانه و نوآورانه، به منابع اسلامی رجوع کنیم و با استفاده از متدها و فنون خاص این کار، نظریه اسلامی خالص را در مقوله عدالت استخراج کنیم. در دستیابی به نظریه اسلامی عدالت باید از التقاط و هرگونه مونتاژ نظریه‌های دیگر بشدت پرهیز کرد و با مراجعه به منابع اصیل اسلامی، این نظریه را استخراج نمود» (بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

۴-۲ عدالت اسلامی با رویکرد نظام‌های غربی متفاوت است. در اسلام عدالت ناشی از حق است. عدالت در اسلام، ناشی از حق است و عدالت ورزی یک وظیفه الهی محسوب می‌شود در حالیکه در مکاتب بشری، این نگاه وجود ندارد. رویکرد اسلامی به عدالت، تفاوتی جدی با

نظریه‌های غربی دارد که دو مورد اساسی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

عدالت در اسلام ناشی از حق است (یعنی عدالت حول قراردادهای اجتماعی، تحلیل و تبیین فلسفی نمی‌شود و ساخته دست بشر نیست بلکه برآمده از نظام هستی و البته نیاز فطری انسان است).

الف) در عدالت اسلامی "باید" وجود دارد؛ یعنی عدالت‌ورزی تکلیف است

ب) کار مهم دیگر تعیین شاخص‌های عدالت است؛ یکی دیگر از کارهای مهم نظری، یافتن شاخص برای اندازه‌گیری میزان تحقق عدالت اجتماعی است. ایشان خاطر نشان کردند: برخی شاخص‌های مطرح در نظریه‌های غربی در شرایط خاص قابل استفاده است اما بسیاری از آنها ناقص و یا کلاً غلط است بنابراین باید شاخص‌هایی مستقل برای تحقق عدالت از دیدگاه اسلام تعریف شود.

ج) توجه مجلس و شورای نگهبان در هر نوع قانون‌گذاری از کارهای ضروری است. توجه مجلس و شورای نگهبان را به مقوله عدالت در هر نوع قانون‌گذاری، از کارهای ضروری برشمردند و افزودند: در عرصه عمل باید برای اجرای عدالت اجتماعی کارهای فراوان انجام شود.

د) تلاش هر فرد برای اجرای عدالت درباره خود را نکته‌ای مهم می‌باشد. نگاه عادلانه هر فرد به خود، موجب دوری از گناه و ایجاد حالت خضوع و خشوع در مقابل پروردگار می‌شود و این مسئله به ایجاد عدالت اجتماعی نیز کمک می‌کند (بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

نتیجه‌گیری

در راستای تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه رهبری و متون دینی، یکسری موانع مهم در سطح حاکمیت می‌بایست برداشته شود تا عدالت اجتماعی در جامعه بروز و ظهور یابد. به عبارت دیگر، ابتدا از بین بردن موانع می‌بایست در سطح حاکمیت اتفاق بیفتد تا ثمره آن در حوزه اجتماعی کاملاً آشکار و مشخص گردد. در رفع این موانع وجود سه رکن محوری، افراد صالح، عقلانیت و معنویت و دولت عدالت محور، در بدنه حاکمیت نقش مهمی را ایفا می‌کنند. اما در سطح اجتماعی، از دیدگاه رهبری یک تکلیف ویژه و مهم بر دوش آحاد مردم قرار می‌گیرد و آن، انتخاب افراد صالح و عدالت‌خواه به عنوان یکی از ارکان شکل‌گیری دولت عدالت محور می‌باشد. اما باید اذعان کرد که تحقق کامل عدالت تا ظهور منجی صاحب‌الزمان ممکن نخواهد بود. انقلاب اسلامی نیز در واقع حاصل تلاش و عدالت‌خواهی توده‌های مردم بوده و در این راستا در حال حرکت می‌باشند. این انقلاب توانسته است شعار عدالت‌خواهی را به تعدادی از کشورهای مسلمان صادر کند اما در این راه با دشواری‌های فراوان روبه‌رو بوده است. ظهور مهدی موعود، تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن انسان است «یَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا».

کتابنامه

۱. قرآن کریم
 ۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۲). المفردات، ترجمه حسین خداپرست، قم: نوید اسلام.
 ۳. امام علی. (۱۳۸۶). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مباحله.
 ۴. عبده، محمد. (۱۴۱۲). شرح نهج البلاغه، قم: دارالذخائر.
 ۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱). یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، قم: انتشارات موسسه دارالکتب الاسلامیه.
 ۶. معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ معین، تهران: انتشارات معین.
 ۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۶۳). لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
 ۸. قرائتی، محسن. (۱۳۶۲). مجموعه درس‌هایی از قرآن، قم: انتشارات در راه حق.
 ۹. کوکب، محمد. (۱۳۹۷). عدالت به روایت استاد مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
 ۱۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۴۱۲). إرشاد القلوب إلى الصواب، ترجمه رضایی، قم: انتشارات شریف‌رضی.
 ۱۱. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۹۶). بحار الانوار، قم: انتشارات اسلامیة.
 ۱۲. صدوق، ابن بابویه. (۱۳۸۳). علل الشرایع، قم: انتشارات مکتب‌الحیدریه.
 ۱۳. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن. (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل‌البیت.
 ۱۴. هادی منش، ابوالفضل. (۱۳۹۱). تبلیغ در ماه رمضان، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- سایت‌ها
۱۵. سایت مقام معظم رهبری www.khamenei.ir